


۶۷۰۱
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب آتشکده آذر
مؤلف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی
موضوع
شماره ثبت کتاب
۴۴۶۱۰
۵۳۷۴
شماره اختصاص (۲۴۶) از کتب (خطی) اهدائی
خطی اهدائی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۲۴۶

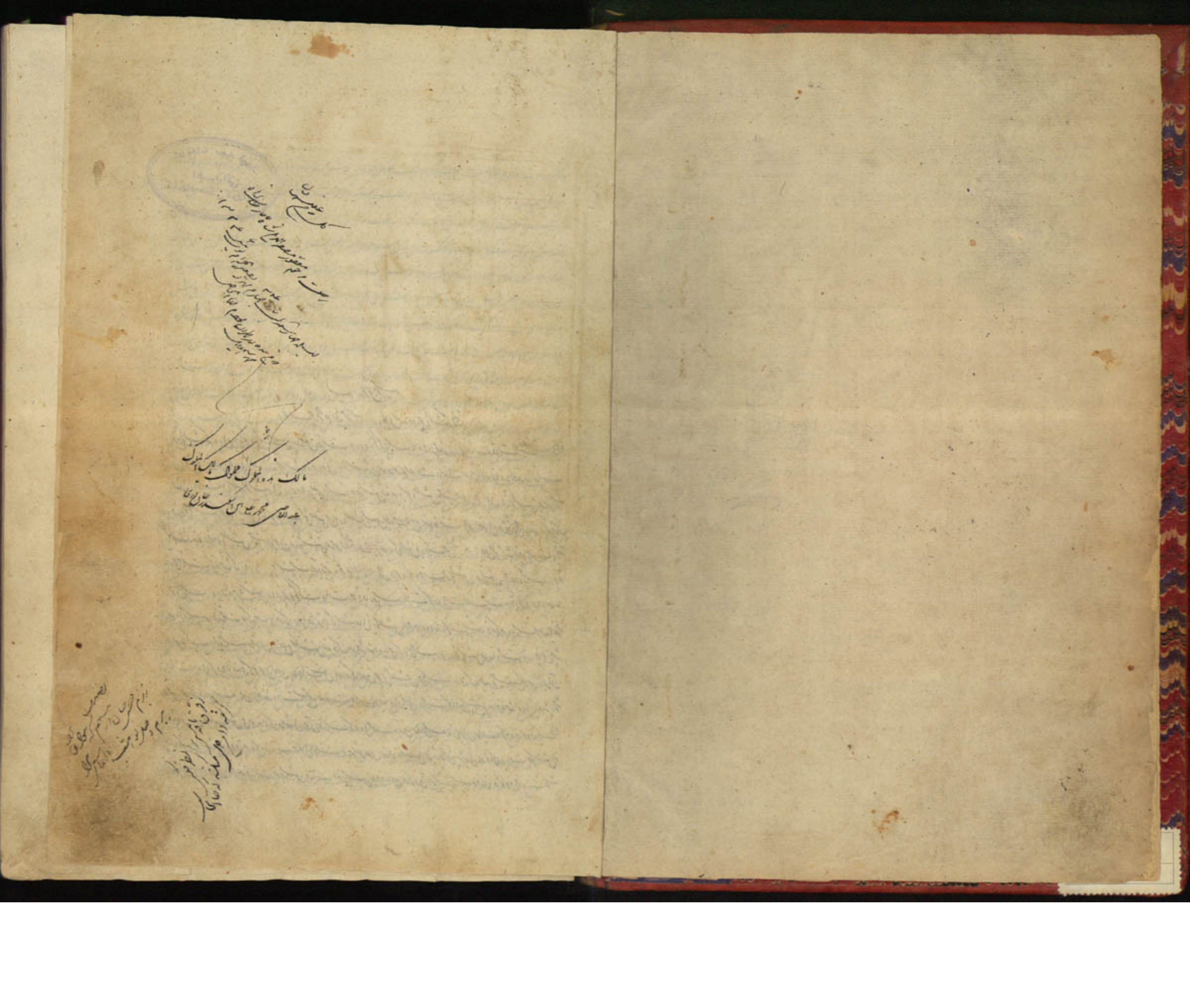

۶۷۰۱
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب آتشکده آذر
مؤلف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی
موضوع
شماره اختصاصی (۲۴۶) از کتب (خطی) اهدائی
تیمسار سرلشکر مجید فیروز (ناصر الدوله) بکتابخانه مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب
۴۴۶۱۰
۵۳۷۴
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
خطی اهدائی
۲۴۶



۶۷۰۱
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب آتشکده آذر
مؤلف لطفعلی بیگ آذر بیگدلی
موضوع
شماره اختصاصی (۲۴۶) از کتب (خطی) اهدائی
شماره ثبت کتاب
۴۴۶۱۰
۵۳۷۴
خطی اهدائی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۲۴۶







[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

تن سرای دارای جهان شوان خرابیه و ما منظره والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا اشاره بدین معنا است ازین اقتباس این گفته
هر یوسف که بسیار چند سنگ پیچیده که در رشته کان توقیت کرده سر و دوش را بر سر نیمی دیگر تو تو بنیاد را به عقرب و
رب تاب جو ... نهان اگر خود را بر زیر رشته فقره گلوله اند که دامنش صدف پرورش داده دوش و برش را
معلق گوهری دارد ... شاد ... ... کرده است که بشنود ... [illegible]
ملک ... رشته ... ÷ و اگر کسی بنشان صحتی که جمع ذات انسانست در وجود ... جای در رحمت ... شنا به بجو
در ... کان ... و دو صفت و کشته کان ... حیرت را چون ... نزد ... و جل ... مکانت
چراکه شبهای تیره و تار داوی پس کشته کان ... جراغ ... آتش ... حق ... افتاده کان ... غیر او از
جرس ... کشتی ... پروانش کند به ... بیان ... که گمراهان ... ولهذا ... شد
و ... که عبارت از سخن ... شناخت که ... ... دوران ... که کی مرقوف
... است و دیگری مجموع ... جهان ... که ... اعتقاب ... محال ... شرع را هم
او ... سخن ... از زبان سخن ... مرادست ... چنانچه ... حیات
... نوع انسانی ... انواع ... سخن ... انست ... جناب ... همه ... انها
والا ... معجزه ... نوع اشرف سخن است ... معجزات ... احیای اموات ... واز اصناف سخن نسیم
آنچه ... محل ... مجمل ... الفاظ ... اکبر ... معانی حکمت ... روپرچم
... میزان ... سعه ... وزن ... بشعور ... سلیقه مستقیمه
... است ... سلسله ... معانی حکمت ... چراغ ... زنبان ... سحر ...
... من الشعر لحکمت وان من البیان لسحرا ... نبوت ...
... البشر ادم ... علیه السلام زبان ... شعر ... ساخته
... شعر را ... که ... معانی ... قال ...
... که ... شعر ... سخن ... شتیل ... لطف ...
قوای ... شتیل ... زبان آوردن ... بیات ... کرم کردن ...
در نظر اهل هوس جلوه دادن ... اشعار ... آن ...
... علوم ... شرع ... اولیا ... انبیای کرام علیهم السلام ... موا عظه
نصایح در ترتیب ... عشق ... حدیث
ان ... تحت العرش و مفاتیح السنة الشعرای ... پس ... رجای ... نه

جای تشنیع است مقام ... و محل ... ودیگر ... تحقیق ... کلام منظوم و منثور ... وزن ... پس
در این صورت هر کلام ... منظوم ... محتمل است در کلام ... ارا معقولات ... و
ابیات ... کلام ... منظوم ... نظم ... و بعضی ... این ... گرشمی این جهات ...
روزی ... شعر و ... که ... مجنون ... بعنوان ... ای برادر ... شعر و
شاعری که کلام منظوم ... عالم ... جناب ... ای ... شاعر ... عشق
جان ... اوقات ... سوق ... گذشت
چنین گویند که چون ... عشق ... و ... دوستی ... مجنون ...
... استاد ...
... خواندم ... دوستی ...
... عشق و ... خواجه حافظ ... عشق ... بچه ...
... ÷ ... عاشق ... شعر عشق ... که ... فن ...
چون ... ÷ ... عشق ... شعر که ... چراغ ... است ،
دیگری ... ÷ ... پریشان ...
... ÷ ... صحبت ... سال ...
... صحبت شعرای معاصرین ... دل ...
... که ...
... بعضی ...
... بعضی ... صورت
این جمال ... اقوال ...
... که دل ... سخنان ...
... معاصرین ...
طلب ... حافظ ... کلام ... عزت ...
... اتفاق ... دوستی ... مانند ...
... دامن ...
... غزلیات ... طرح این ...

که ریحه بتاراج کنج خانها رو به ... و وقت میثوبات فصیحه حقه حقه دراز ... ن رمایات مجه شده شعر ...
اوّر ده یعنی دیوان هر یک از شعرای نظر وقت مطالعه و ملاحظه و بخواندن آنچه ... فهم آنستم و آنچه از کتب ایل
بیت القصاید نان بختلف رسیده بود در تذکرهای مشهوره و غیر مشهور اشعار ایشان را دیده و بازهم الست سعی بست
کرده و صحبت هر یک از شعرای که اتفاق افتاد و اشعار از ایشان بصیرت مطالعه و در جشم خود آنچه انتخاب کرده
نگاشتم و آنچه بلعنت ... ایشان بسبب انقلاب روزگار روزی نشده از متفحص اهل فن اکثر ایشان ...
بازهمان کیفیت رجوع ... لفظ انتخاب برای که داشتم و در ضمن مطالعه تواریخ مولد و منشأ هر یک از شعرا معلوم شد
اهم اسم آن جدا رابع ... از اوصاف و بترتیب حروف تهجی ثبت کرده و شعرای آن جد را در انتخاب نوشته و
مراعات ... نان و تقدم رتبه را منظور داشتم و در ذکر آنها می جا و شعرای ... جد را حرف اول هر جد را و
تخلص ... اشعار حرف اخر را بترتیب حروف تهجی معتبر داشتم و این کتاب را موسوم بانشکده ساختم و وقتی
از کتب تذکره سابق ... رنگ ... و ... براں قرار داده که هر چند کان ... شد اتفاق ...
... نسخه ... از عمر کوتاه خود ... چه طوری که از ضبط ... ات ... جس
این کتاب ... ای عزیز ... هر که این کتاب را نگرد ... چون ... در روی ... و چون
... نام ... براوزه چون این ... انشای ... نال ... الحق تا
نامم ... بر قانون ... کرده ... آن ... ایران ... و این تذکره
مشتمل بر دو مجمر و مجمر ... در ذکر احوال و اشعار بعضی از متقدمین است مشتمل بر یک شعله و در ذکر احوال و اشعار شعرای
و شهریاران ... و امرای ... که ... در حقیقه منسوب ... هستند ... اکثر در ذکر
شعرای ایران و توران و هند و ... و ... بخصه ... اسم ولایات که ... تفصیل ... هر ...
است می ... ولایات ... خواهد شد و یک فروغ در حالات و مقالات زنان ... و مجمر دوم
در بیان حالات و خیالات شعرای معاصرین و مشتمل بر دو پرتو اول در اذکار ... معاصرین و پرتو دوم در ذکر خاتم
کتاب بحالات ... خدام ... محشوم کردم که ... ایران صورت ... هرگز ... به التوفیق وعلیه التکلان

مجمر اول در ذکر احوال و اشعار فصحای متقدمین مشتمل بر یک شعله و سه اخگر و یک فروغ شعله در
ذکر احوال و اشعار شاهان و شهزادگان و امرا ... در حقیقه منسوب ... هستند ...

ابن ... غزنوی ؛ ابن یمین ؛ سلطان ابو سعید ... ؛ ... سلطان ... ؛ خان احمد گیلانی ؛
... صفوی ؛ ... ؛ ... شاملو ؛ ... ؛ بدیع الزمان میرزای تیموری ؛ بهرام میرزای ...
بهرام خان ... ترکمان ؛ ... ؛ ... صفوی ؛ ... ؛ ... ؛ جعفر بیگ ... شاملو ؛ جلال الدین

اکبر گورکانی ؛ جلال الدین ملک شاه سلجوقی ؛ حالتی ترکمان ؛ حسن بیگ ؛ ... شاملو ؛ میرزا ... ؛ ... جغتائی
... شاه اسمعیل صفوی ؛ ... افشار ؛ ... ترکمان ؛ ... ترکمان ؛ ... ؛ سام
سام میرزا ؛ ... صفوی ؛ ... گورکانی ؛ سلیم شاملو ؛ سهیل جغتائی ؛ شاه ... ؛ شاه شجاع آل مظفر ؛
ملک شمس الدین کرت ؛ شوکت ؛ صادق افشار ؛ امیر ... جغتائی ؛ صبوحی جغتائی ؛ طغرل سلجوقی ؛ ... جلایر ؛
شاه طهماسب صفوی ؛ ... صفوی ؛ شاه عباس ماضی صفوی ؛ شاه عباس ثانی صفوی ؛ عبدالعزیز خان اوزبک ؛ عتابی تکلو ؛
... ؛ امیر ... الدین ؛ ... ؛ امیر ... ؛ ... بیگ ؛ ... ؛ ... ؛ کامی ؛ ملک ...
... شاملو ؛ ... ؛ ... ؛ سلطان ... شاملو ؛ ... ؛ مسعود ؛ ... تکلو ؛
... ترکمان ؛ ... ؛ ... میرزای گورکانی ؛ ... ؛ ... افشار ؛ ... ؛ ... ؛ ... کرد ...
... جغتائی ؛ امیر ... گورکانی ؛ سلطان یعقوب ترکمان اخگر اول در ذکر احوال و نگارش اقوال فصحای ایران زمین مشتمل بر پنج شراره شراره اول
در ذکر شعرا و نقل اشعار فصحای بلاد آذربایجان است دار الارشاد اردبیل جامی ؛ ... ؛ ... ؛ حاتم بیگ
... ؛ محیی الدین دار السلطنه تبریز میرزا اسد الله ؛ امیر بیگ ... ؛ ... ؛ ... ؛ جعفری ؛ جوهری ؛ ...
... ؛ میرزا ... ؛ ... ؛ شریف ؛ مولانا شمس الدین ؛ ... ؛ میرزا صائب ؛ صبوری ؛ ... ؛ ظهوری ؛ ...
... ؛ ... ؛ ... ؛ فردی ؛ ... ؛ ... ؛ حکیم قطران ؛ ... ؛ شیخ محمود شبستری ؛ ... ؛ ... ؛ معروف
معلوم ؛ ... ؛ ... ؛ ... ؛ ... ؛ ... ؛ خلخال ... ؛ ... شروان حکیم خاقانی ؛ ...
... گنجه ابوالعلا ... ؛ ... ؛ ... ؛ شراره ثانیه در ذکر حالات و شرح مقالات شعرای
خراسان است ابیورد حکیم انوری اسفراین ... ؛ امیر ... بسطام سلطان بایزید ؛ شیخ ابوالحسن ...
... ترشیز ... ؛ ... ؛ قاضی شمس الدین ؛ میر عبد الله ... ؛ مولانا ... طبس ... ؛ ظهوری ؛ ... ؛ کاتبی
جاجرم ... الدین ... جام جامی ... ؛ ... ؛ ... ؛ ... جنابد ... ؛ ... ؛ ...
... ؛ ... ؛ ... جوین شیخ سعد الدین ؛ شمس الدین محمد ؛ ... شمس الدین ... ؛ ... الملک ؛
خبوشان زین الدین ... ؛ ... خواف ابن حسام ؛ ... الدین ؛ ... ؛ شاه ... ؛ سیف الدین
عماد الدین ؛ ... ؛ ملک سبزوار ... ؛ میرزا بدیع الزمان ؛ میرزا ... ؛ ... ؛ ... ؛ ...
... ؛ ... ؛ کامی ؛ کمالی ؛ جلالی ؛ میرزا محمد سمنان رکن الدین ؛ ... ؛ شاه ... الدوله ؛ ... سیستان قاضی ...
ابوالفرج ؛ ... ؛ کاشفی ؛ فرخی طوس ... ؛ ... ؛ ... ؛ ... ؛ ... ؛ ... ؛ ... ؛ دانش ؛ سایب ؛
صابر ؛ صالحی ؛ ... ؛ عبد الله ... ؛ فردوسی ؛ عزت ؛ ... ؛ ... ؛ قدسی ؛ قوسی ؛ مولانا ... ؛ میرزا محمد حسن
سید محمد ... ؛ محمدی ؛ ... ؛ موسوی ؛ ... ؛ نظام الملک ؛ نظری ... ؛ ... غرجستان

عبد الواسع جبلی ؛ نزاری قهستانی ؛ سید حسن ؛ حکیم سنایی ؛ شهاب الدین ؛ عمادالدین ؛ کاورک ؛ مجاری **غزنه** ؛ حسینی سادات
قاین ؛ بشرونه ؛ وزارت ؛ جامی ؛ **دارالامان کرمان** ؛ اوحدی ؛ ابوبکر ؛ اوحد ؛ [illegible] ؛ بساطی ؛ خواجو ؛ رشیدی ؛ فتح الله
سید مختار ؛ شرف الدین ؛ بامغی ؛ طبسی ؛ عماد فقیه ؛ فضی ؛ مظفر ؛ وحشی ؛ دامغی ؛ ناشئی ؛ **هرات** ؛ ابوجعفر اسکافی
سید مبارکشاه ؛ طلحه ؛ فردی ؛ عبیری ؛ [illegible] ؛ کلامی ؛ **رونه و جهنه** ؛ شیخ احمد ؛ جهنه ؛ ابوالفرج رونی ؛ غزنوی ؛ [illegible]
[illegible] ؛ شمس الدین ؛ [illegible] ؛ **نیشابور** ؛ [illegible] ؛ رضی الدین ؛ [illegible] ؛ شیخ عبدالملک
[illegible] صفی ؛ شیخ عطار ؛ وجی ؛ لطف الله ؛ لطفی ؛ فدایی ؛ نظری ؛ یحیی ابن عماد ابن یحیی ؛ **دارالسلطنه** [illegible] ؛ حکیم ازرقی
[illegible] ؛ اصفی ؛ امامی ؛ بنایی ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ فخرالدین ؛ [illegible]
کاتبی ؛ مظفر ؛ عقعقه ؛ بالشم ؛ وصفی ؛ **سرزمین ثالثه در ذکر صفات و شرح ابیات اهالی دارالمرز و طبرستان حقیقت** [illegible]
استرآباد ؛ رازی ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible]
میر ابوالقاسم ؛ میر [illegible] ؛ [illegible] ؛ **جرجان** ؛ [illegible] ؛ فخرالدین ؛ [illegible] ؛ مسعود بن سعد سلمان ؛ یوسف ؛ **گیلان**
حاجی ؛ [illegible] ؛ **لاهیجان** ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible]
[illegible] ؛ قاضی ؛ یحیی ؛ [illegible] ؛ **مازندران** ؛ اشرف ؛ [illegible] ؛ سراج الدین [illegible] ؛ طالب آملی ؛ **سرزمین رابعه در ذکر احوال**
و نقل اقوال فصحای عراق [illegible] مشتمل بر دو شعاع شعاع اول در بیان احوال و شرح اقوال فصحای عراق عرب که مذکور میشوند ؛ بغداد
شمس الدین محمد ؛ [illegible] ؛ بغدادی ؛ سید محمد نجفی ؛ شیخ محمد ؛ **شعاع دوم در بیان گزارش و حالات و بنیان نگارش**
و مقالات بلغای عراق عجم است دارالسلطنه اصفهان ؛ [illegible] ؛ ابدال ؛ اسیر ؛ اشراق ؛ میرزا ادیب ؛ اوجی
باقر ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ میرشاه ؛ جمال الدین ؛ عبدالرزاق ؛ [illegible] ؛ منشی ؛ جلال الدین [illegible]
[illegible] ؛ خواجه [illegible] ؛ [illegible] ؛ حلمی ؛ خاقانی ؛ [illegible] ؛ میرزا داود ؛ [illegible] ؛ سید رضا ؛ [illegible]
رفیع الدین [illegible] ؛ [illegible] ؛ سالک ؛ بهری ؛ سراج ؛ حکاک ؛ سعدا ؛ سلمان ؛ [illegible] ؛ شاه [illegible]
شجاع الدین ؛ شرف الدین ؛ شعیب ؛ شفایی ؛ [illegible] ؛ شوکتی ؛ صادق ؛ [illegible] ؛ صایب ؛ [illegible] ؛ میر صبری ؛ [illegible]
صبری ؛ [illegible] ؛ طاهری ؛ [illegible] ؛ عشرتی ؛ غازی ؛ [illegible] ؛ فریدالدین احول ؛ فکری ؛ کاشی ؛ [illegible] الدین
کاهی ؛ کلامی ؛ کمال الدین اسمعیل ؛ مرامی ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ ناصر خسرو ؛ ناطق ؛ [illegible] ؛ [illegible]
واحد ؛ وحید ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ **جرفادقان و خوانسار و کمره** ؛ [illegible]
[illegible] خوانساری ؛ نجیب الدین [illegible] ؛ [illegible] ؛ خفری [illegible] ؛ [illegible]
شیخ [illegible] کمره ؛ **گلپایگان** ری ؛ [illegible] ؛ [illegible]
[illegible] ؛ [illegible] ؛ پوربخشی ؛ صابر ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ قاضی عطاری ؛ استاد عطاری

محمد

حاجی شیرازی ؛ خواجوی رازی ؛ فخری رازی ؛ امام فخر رازی ؛ فکری [illegible] ؛ [illegible] ؛ قرینی [illegible]
کمال الدین اسمعیل [illegible] ؛ [illegible] ؛ شیخ نجم الدین رازی ؛ میر [illegible] ؛ نوربخشی ؛ هجری همدانی
[illegible] ؛ [illegible] ؛ جعفری ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ خواجه سلمان ؛ سوزنی ؛ شوقی ؛ حرفی ؛ ظریفی ؛ عهدی ؛ [illegible]
[illegible] یعقوب ؛ **دارالسلطنه قزوین** ؛ میر [illegible] ؛ [illegible] ؛ انصاری ؛ ثابت ؛ [illegible] ؛ جلال ؛ جعفر [illegible] ؛ جعفر رازی
حسن [illegible] ؛ حکیم سعید خان ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ قاضی رکن الدین [illegible] ؛ سلطان [illegible] ؛ [illegible] ؛ شمس الدین
[illegible] ؛ [illegible] شاه ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ مظفر [illegible] ؛ غنی ؛ فرقتی ؛ کاظم ؛ کلیمی ؛ [illegible] ؛ محمد [illegible]
شریف ؛ میر مقبول ؛ ملک ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ شیخ [illegible] ؛ میر [illegible] ؛ وکیل ؛ [illegible]
هجری ؛ **ساوه** ؛ [illegible] ؛ قاضی [illegible] ؛ میرزا احمد ؛ ادهم بیک ؛ میرزا اسد بیک ؛ [illegible] شیخ [illegible]
[illegible] ؛ بخشی ؛ [illegible] ؛ میرزا جعفر ؛ حاجی بیک ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ درویش [illegible] ؛ [illegible] ؛ سالک ؛ [illegible] ؛ میرزا [illegible]
[illegible] ؛ شهابی ؛ شیخ شهاب سهروردی ؛ صفری ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ عزیزی ؛ عبدالله ؛ فارغی ؛ کاکا [illegible]
[illegible] ؛ مسرور ؛ میرزا هاشم ؛ نرگس ؛ [illegible] ؛ واعظ ؛ وحید ؛ [illegible] ؛ یوسف ؛ **دارالایمان کاشان** ؛ ابوالقاسم ؛ قاضی
اسد ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ حاتم ؛ حسینی ؛ حلمی ؛ حیاتی ؛ حیدر ؛ [illegible]
داوری ؛ رضایی ؛ رشتی ؛ رمزی ؛ سالک ؛ سالم ؛ سرمد ؛ سنجر ؛ شجاع ؛ شرف ؛ شوری ؛ صیدا [illegible]
محمد ؛ عبدالله [illegible] ؛ عشقی ؛ عوزی ؛ فخری ؛ فهمی ؛ فیض ؛ کلیم ؛ [illegible] ؛ محتشم ؛ مسیح ؛ مشفقی ؛ مظفر حسین
میر معصوم ؛ [illegible] **قم و** [illegible] ؛ اثیرالدین [illegible] ؛ خواجه [illegible] ؛ الهی ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ رشکی ؛ خواجه رشید ؛ [illegible]
[illegible] ؛ رونقی ؛ زکی ؛ صبری ؛ صبیح ؛ [illegible] ؛ عزتی ؛ کوثری ؛ محمد [illegible] ؛ میر [illegible] ؛ مفرد ؛ مکی
میر مهدی ؛ نصیرا ؛ [illegible] ؛ نعیم ؛ **دارالعباد یزد** ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ اوحدی ؛ [illegible] ؛ سید جلال عضد ؛ [illegible]
مولانا حسنی ؛ [illegible] ؛ مولانا زاده ؛ سالک ؛ [illegible] ؛ شرقی ؛ شوقی ؛ عشرتی ؛ عوامی ؛ غیاث ؛ کاتب ؛ کوثری
[illegible] ؛ [illegible] ؛ **سرزمین خامسه در ذکر افکار و اوصاف شرف و لایت فارس** [illegible] **ابرقوه** ؛ [illegible] برهان
[illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ **دارالعلم شیراز** ؛ [illegible] ؛ مولانا [illegible] ؛ رازی ؛ **شوشتر** ؛ عالمی ؛ [illegible]
مولانا [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ یکی ؛ یحیی ؛ [illegible] ؛ خواجه شمس الدین ؛ محمود [illegible]
[illegible] ؛ [illegible] ؛ شیخ مصلح الدین سعدی ؛ شیخ [illegible] ؛ میر طرازی ؛ ظهوری ؛ سید محمد ؛ عرفی ؛ [illegible]
عربی ؛ میر غیاث الدین منصور دشتکی ؛ غیاث حلوایی ؛ عشرتی ؛ فانی ؛ باباقفانی ؛ ملا مهدی ؛ [illegible] ؛ محمد [illegible]
[illegible] ؛ خواجه مرشد ؛ مشتاق ؛ معین الدین ؛ مقیم ؛ مکتبی ؛ منصف ؛ نصرالله ابن عبدالحمید ؛ میرزا [illegible]
[illegible] ؛ یغما ؛ نیریزی ؛ **کازرون** ؛ ارشد ؛ اوحدی ؛ بهاری ؛ رشید ؛ کاشی ؛ **خطه لار** ؛ حضوری

کاهی ؛ مجمی ؛ مرادی ؛ [illegible] ؛ طبقه دویم در ذکر اشعار شعرا و شرح افکار رجال ماوراء النهر و ترکستان مشتمل بر سه شعر اولی در شرح احوال

و ذکر اقوال فضلای خطه بلخ و توابع آن است بلخ شیخ ابو الحسن شهید ؛ شیخ ابو علی سینا ؛ الف الغال ؛ رشید وطواط ؛

سراج الدین ؛ مولانا شیخ ؛ ابو القاسم عنصری ؛ مسعود شنبک ؛ مولوی رومی ؛ امیر خواجه ؛ جامی ؛

او [illegible] کنج شیخ ابو القاسم خیوق حاجی شیخ نجم الدین کبری خجکش و مهمید جوهر فاریابی شعر ثالثه در ذکر ایشان و شرح

اشعار شعرای ماوراء النهر است نعمت الدین شرح بخارا امیر الدین بخارا شیخ ابو العباس ؛ مولانا برقی

ما حاجی بهرام ؛ جوهری زرگر ؛ استاد رودکی ؛ سیفی شمس الدین ؛ شهاب الدین احمد ؛ عمرو محمد بخارایی

عمعق بخارایی ؛ مسعود ؛ [illegible] ؛ [illegible] ؛ نجفی ؛ ابو رجا عمار ترمذی حصار شادمان سیفی خجند ... الدین فارسی

کمال الدین مسعود سمرقند ابو الشطرنجی ؛ اشرفی سمرقندی ؛ لبیبی ؛ خواجه حاجی محمد ؛ دقیقی ؛ زردی ؛ رشیدی

روحانی ؛ سوزنی ؛ [illegible] الدین ؛ عمقی ؛ قراقی ؛ امیر معزی ؛ نظامی ؛ عروضی ؛ هجری قبا ؛ رکن الدین [illegible] ؛ جلیلی

شیخ فیضی جنگ سیم در بیان اشعار و نقل ابیات فضلای مملکت هندوستان مشتمل بر سه شعر شعر اولی در شرح احوال و نقل اقوال

شعرای شهر دکن [illegible] فیضی ؛ فیضی مجموعه ثانیه در شرح حالات و بیان مقالات فضلای معاصرین احسن الله احوالهم مشتمل بر دو پرتو پرتو اولی در ذکر

و گذارش احوال معاصرین است پرتو اول [illegible] اصفهان ؛ اسیری اصفهانی ؛ امید همدانی ؛ ثبات دهلوی ؛ [illegible] کاشی ؛ جناب

اصفهانی ؛ حاجت شیرازی ؛ حبیب اصفهانی ؛ حزین گیلانی ؛ حسرت هروی ؛ خادم اصفهانی ؛ خاطر اشرفی ؛ داعی [illegible]

دامی اصفهانی ؛ راهب اصفهانی ؛ رضای کاشی ؛ رفیق اصفهانی ؛ رهبان اصفهانی ؛ زکی اصفهانی ؛ سالم اصفهانی

شباب دامغانی ؛ شعله اصفهانی ؛ شفق قمی ؛ شمیم اصفهانی ؛ میر شمس الدین دهلوی ؛ صادق تفرشی ؛ صادق اصفهانی

صهبای کاشی ؛ صبوح اصفهانی ؛ صفای شیرازی ؛ صهبای قمی ؛ حوران [illegible] ؛ عبری اصفهانی ؛ [illegible]

[illegible] ؛ عزت اصفهانی ؛ [illegible] ؛ [illegible] اصفهانی ؛ [illegible] استرآبادی ؛ محمد طالب [illegible] ؛ میرزا مهدی [illegible]

[illegible] ؛ مشتاق اصفهانی ؛ ندیم خراسانی ؛ نشاط [illegible] ؛ نشاط تبریزی ؛ [illegible] اصفهانی ؛ [illegible] اصفهانی ؛ [illegible]

اصفهانی ؛ نیازی اصفهانی ؛ شریف [illegible] ؛ [illegible] افشار ؛ موجد اصفهانی ؛ مولانا [illegible] اصفهانی ؛ آقا مهدی گیلانی ؛ [illegible]

[illegible] اصفهانی ؛ واله لنگری ؛ وفای [illegible] ؛ [illegible] اصفهانی ؛ هجری [illegible]

مجموعه اولی در ذکر احوال و شرح اشعار فضلای متقدمین مشتمل بر [illegible] و در [illegible]

در ذکر احوال ملوک و سلاطین و شاهزادگان [illegible] که [illegible] بر ترتیب حروف تهجی نوشته شده

[illegible] محمود [illegible] ملکش [illegible] سلطان محمود غزنوی [illegible] که سلطان [illegible] حرکت کرد

[illegible] ولیعهد [illegible] معشوقه او [illegible] غرق شده و در مرثیه او گفته و این چند بیت از اوست

[illegible] تو در [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]

ابن یمین [illegible] امیر یمین الدین [illegible] و [illegible] صفات حمیده و اوصاف پسندیده

دارد [illegible] بتحصیل معاش [illegible] و [illegible] و [illegible]

[illegible] و معاصر [illegible] از اوست **قطعه** [illegible]

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

رباعی

[illegible]

سلطان ابویزید آل مظفر برادر شاه شجاع است [illegible] معلوم نشد

[illegible]

اتابک سعد بن زنگی [illegible] اتابک [illegible] سعد [illegible]

[illegible]

سلطان [illegible] [illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

بخواندم این سخن روم ... خدای جهان [illegible] ... بعد از وقایع سلطان سنجر هوس سلطنت کرده [illegible]

و جلال کرده همه روح [illegible] ... واقران اوست [illegible] خان احمد خان [illegible]

با میرکیای ملاطی که از اعیان سادات حسینی گیلان است [illegible] و میرزای کیا [illegible] در عهد سلطان [illegible]

و طبرستان و دیلمان [illegible] شاه اسمعیل صفوی به علت [illegible]

در تاریخ [illegible] و در زمان شاه طهماسب صفوی [illegible] از اشتغال [illegible]

و در قزوین [illegible] سلطان [illegible] و باز از آن دولت [illegible]

و به دولت [illegible] اکثر ایشان [illegible] مجلس [illegible]

شاه اسمعیل [illegible] شاه اسمعیل [illegible] مجلس [illegible] گیلان [illegible]

گیلان [illegible] در عهد شاه عباس صفوی [illegible] اشرف [illegible]

و در سنه ۹۲ [illegible] گردیده و در [illegible] داشته [illegible]

[illegible]

القاص میرزای صفوی

[illegible] شاه اسمعیل صفوی در [illegible] برادرش شاه طهماسب [illegible] روم [illegible]

ایران [illegible] در سنه ۹۵۳ [illegible]

[illegible]

امام قلیخان

[illegible]

[illegible] هراتست [illegible]

[illegible]

آهی جغتایی

[illegible] اشرف [illegible] اشعارش [illegible] در سنه ۹۲۲ [illegible]

غزلیات

[illegible]

[illegible]

رباعیات

[illegible]

بدیع الزمان میرزای کورکانی

کمتر [illegible] میرزا معارضات کرده بخدمت شاه اسمعیل صفوی رسیده و چندی در تبریز ساکن بوده تا [illegible] سلیم خوانده کار [illegible] در سنه ۹۲۰ بمرض طاعون در گذشت و در [illegible] پسرش میرزا محمد زمان مرثیه گفته و این مطلع از او نوشته شد

[illegible]

بهرام میرزای صفوی خلف الصدق شاه اسمعیل صفوی [illegible] در سنه ۹۵۶ [illegible]

[illegible]

بیرم خان

[illegible]

جامی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جعفر بیگ [illegible]

[illegible]

غزلیات

[illegible]

رباعیات

[illegible]

[illegible]

حسن بیگ از امرای [illegible] در خدمت شاه عباس [illegible] و این شعر از اوست [illegible]

[illegible]

حسن خان [illegible] شاملو [illegible] در عهد شاه عباس [illegible] هرات داشته [illegible] و این شعر از اوست

[illegible] در هرات [illegible]

[illegible]

حسینی اسم شریفش [illegible] میرزا [illegible] و این شعر از اوست

[illegible]

میرزا خان [illegible] در تذکره [illegible]

خضائی اسمش [illegible] و این شعر از اوست

[illegible]

خطائی اسم شریفش شاه اسمعیل صفوی [illegible] شیخ صفی الدین اسحق [illegible] در تذکره الاولیا مذکور است [illegible] شاه [illegible] در سنه ٩٠٥ [illegible] در سنه ٩٣٠ [illegible] این شعر از او [illegible]

در وصف [illegible]

[illegible] این شعر از اوست [illegible]

ذوقی اسمش [illegible] در کاشان [illegible] در سنه ٩٥٥ [illegible] و این اشعار از او [illegible]

[illegible]

رحیمی اسمش عبدالرحیم خان [illegible]

[illegible]

رهی اسمش [illegible] و این شعر از اوست

[illegible]

ساوری اسمش [illegible]

[illegible]

سالم اسمش [illegible] و این شعر از اوست [illegible]

[illegible]

سامی اسمش سام میرزا [illegible] شاه اسمعیل صفوی است [illegible] و این شعر از اوست

[illegible]

و دیگر **سامی** اسمش [illegible]

[illegible]

سید [illegible] [illegible]

[illegible]

سلیمی اسمش محمد ... [illegible]

[illegible]

قصیده

[illegible]

غزلیات

[illegible]

مثنوی در مطایبه گفته ... [illegible]

[illegible]

قطعه

[illegible]

سهیلی اسمش امیر نظام الدین احمد ... [illegible]

[illegible]

... [illegible]

[illegible]

قطعه

[illegible]

شاه شجاع ... [illegible]

[illegible]

ملک شمس الدین ... [illegible]

[illegible]

شوقی ... [illegible]

صادقی اسمش ... [illegible]

و تقوی مهارت تمامی در خطاطی که داشته و کتاب قرآنهای دیوان حافظ هم نوشته و این دو شعر از او انتخاب و ثبت کرده است

[illegible] / [illegible] دارالسلام را / [illegible] / [illegible]

میر محمد صالح اسمش [illegible] امیر [illegible] که [illegible] [illegible]

[illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / اگر [illegible] چهره [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible]

صبوحی

[illegible] کرده اند او است / عاشق [illegible] / [illegible]

طغرل [illegible] سلاجقه [illegible] و تمام عراق [illegible] [illegible] که [illegible]

[illegible]

[illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] شاه طهماسب صفوی [illegible]

[illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] **[illegible]** اسمش شاه اسمعیل صفوی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سلسله صفوی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

داغی

شاه عباس ثانی صفوی

[illegible] / [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ایران [illegible] که در اکثر بقاع ایران [illegible] اصفهان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سلسله علیه صفوی [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible]

شاه عباس ماضی [illegible]

[illegible] / [illegible] **عبید [illegible] خان** [illegible] شاه [illegible] صفوی [illegible]

[illegible]

[illegible] / [illegible] **عبید [illegible] خان** [illegible]

[illegible]

[illegible] / [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] صفوی [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] / [illegible]

[illegible] / [illegible] / [illegible] **عماد الدین** [illegible]

گویند روزی خواجه شمس الدین محمد [illegible] خواجه [illegible] ای کون فراخ [illegible]

هرچند سخنهای چو در [illegible] / [illegible] / ای کون [illegible] فراخ [illegible]

امیر فخر الدین مسعود [illegible]

[illegible] / هم حال [illegible] / [illegible] / این [illegible]

[illegible]

فرصت [illegible]

فنایی [illegible]

[illegible]

[illegible]

قطعه

[illegible]

قاچان بیک [illegible]

امیره [illegible] شمس الدین [illegible] اخلاق [illegible]

[illegible]

[illegible]

خوبت [illegible]

[illegible]

[illegible]

شاه کبود جامه [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

و له

[illegible]

و له الغزل

[illegible]

کرامی [illegible]

کرامی [illegible]

ملک کمال الدین [illegible]

[illegible]

مایل [illegible]

[illegible]

درویش [illegible]

مرتضی قلی بیک [illegible]

مرتضی قلی خان [illegible]

و در گذشته ... استاد شفائی [illegible] — واین شعر از او ثبت کرده

[illegible]

مسعود از ارباب ادراک ... کاشان [illegible]

[illegible]

حبیب خان ولد محمد خان شرف الدین اوغلی از اعاظم امرای ... در دولت شاه ... صفوی خدمت ... کرده [illegible]

رباعی

[illegible]

معینی [illegible] و این اشعار از او ثبت [illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

محمد مومن میرزا خلف [illegible]

[illegible]

میلی [illegible]

ومن قصاید

[illegible]

ولد غزلیات

[illegible]

[illegible]

ربا عی

[illegible]

قصیده

[illegible]

در عالم چو کسی خرم نیست
شادی [illegible]
آن کس که [illegible]
[illegible]
امروز [illegible] فراق
[illegible]
روز [illegible]
این [illegible] فراق

امیر همایون از اولاد امیر تیمور گورکانست [illegible] شاه [illegible] سلطنت [illegible] اعتدال [illegible] صفوی [illegible] [illegible] [illegible] استقلال [illegible] دولت [illegible] کمال [illegible] [illegible] شاه [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

سلطان یعقوب

[illegible] [illegible] [illegible]

چمن اول از نسخه اولی در ذکر احوال [illegible] ولایت ایران [illegible] اعتدال هوا و [illegible] آب و ادراک اهل آن [illegible] محتاج به اظهار نیست و همه کتب سیر و تواریخ به این مطلب ناطق است [illegible] و این چمن مشتمل است بر پنج شعبه [illegible] شعبه اول در ذکر [illegible] بلاد آذربایجان و توابع آن است

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

جامی [illegible] [illegible] [illegible]

راغب

[illegible] معشوق [illegible] [illegible]

محوی [illegible] [illegible] [illegible]

صنیعی از اولاد [illegible] شاه عباس [illegible] [illegible]

میرزا حاتم بیگ [illegible] معشوق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در قصیده [illegible]
گوید در مدح شاه [illegible] میرزا
[illegible]

سلطان [illegible] **مجیرالدین** [illegible] [illegible] فراق [illegible] معشوق [illegible] معشوق [illegible] فراق معشوق [illegible] [illegible] [illegible] فراق [illegible] معشوق [illegible]

شده میان او و خاقان [illegible] باعث ارجوع [illegible] کشته [illegible] معاهدات [illegible] اصفهان [illegible]
اصفهان [illegible] بعد از [illegible] سته [illegible] در تبریز بعالم [illegible] شتافته از اوست

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

[illegible]

خواجه [illegible] از اولاد شیخ غیاث الدین محمد [illegible] از اکثر نواحی اصفهان بزرگ شده [illegible]
[illegible]
[illegible] بخراسان [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

جوهری

[illegible]

حیدری

[illegible]

حیدری

[illegible]

حوادی

[illegible]

میرزاده

[illegible]

ادیب

[illegible]

شریف

[illegible]

الغزلیات

[illegible]

قطعه

[illegible]

مولانا شمس الدین [illegible]

غزلیات

[illegible]

شمر کشته و تیغ جفا داده [illegible] خود را به سامان [illegible]

صاحب

میرزا محمد [illegible] شاه عباس [illegible] از اصفهان [illegible]

صاحب اخلاق حسنه و صفات [illegible] اصفهان [illegible] شاه عباس [illegible]

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

ظهوری [illegible]

نجمی اسمش [illegible]

[illegible]

فدائی اسمش [illegible] شاه عباس [illegible] اصفهان [illegible]

[illegible]

مصاحب اسمش [illegible]

[illegible]

عنوانی اسمش [illegible]

فردی [illegible]

یوسف [illegible]

فی الغزلیات

[illegible]

صبحی [illegible]

فی الغزلیات

[illegible]

بر سر کوی [illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

قصیده

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

نشاطی [illegible]

[illegible]

[illegible]

غزل

[illegible]

[illegible] از [illegible] ... شیخ احمد ... [illegible]

غزلیات

[illegible]

شیروانی [illegible]

قطعه

[illegible]

شیروان

[illegible]

شیروان

ردیف

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

شیروان

این دو حرف ... چشم
... نقد ... شمع
... کی ... حال
... تا ... خانه
... گاهی ... شبان
... خواهم چشم

وله

افتاب ... بر شد
... انجام
هر چه ... دوست
جام ... خواهش
فیض این السحاب ...
... این ...
چون ... شد چه ...
... عمر ... فانی
چون ... برخیزد

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

شروان

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

شیر ملا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

شیر ملا

و له

و له

و له فی الغزلیات

و له

و له

و له

[illegible]

در خسوف فرماید

[illegible]

و له

[illegible]

و له

[illegible]

و له

[illegible]

و له

[illegible]

و له

[illegible]

فی الهجا

[illegible]

من مثنوی تحفة العراقین

زین حقه بزد مهره خاک … کاین حقه و مهره تا بجا ماند

وقتست که وقت بر سر آمد … وقتست که این چهار ارکان

وقتست که مرکبان انجم … [illegible]

[illegible]

بسته رحمم فسرده پنهان | کایک علامتی که پیداست

خطاب به آفتاب

جان داده ی صحبت یاران | از بیم تو از عقاب خضرا
دوستی غلط شد خواره | دار و ز تو جی رو میان آب
هسته ای ... مار و زنگ | زر بخشی و ناکشاده کنج
کو آتش جام گرای باشی | با آنکه ز روشنی گزینی
صفت بهی داده استاد | با خنجر زر ...ستان
در روز تم ... اژدهایت | در روز تو او یک فسرده ای
اندخاقانی ... دروغ دادی | آنکس که بزاویت آرایش
چون کیسه خضاب رکار شد | زرچیست جوانش فسرده
توییت فسرده در دل سنگ | محو از پا لعل و زرد نبوده

مدح خواجه بزرگ

شکر زاد ز شعر لعل ساست | صدری تغر و از خلایق
سادات رکاب داکر شد | چون موکب او فرو تر آید
با اشرف صدر ای جهان صدر | ملک تو ثبات یافت حسنه
صحبت زکان که معانت | گفتم سخنی سخنی ای
زان خوشه چون لعل شادی | گفتم که در آن جهاد پر شور
صاحب المجلس وفا پرایت | بحم سفر عراق فرمود
نعمت که هشت درم | چون بانشد موسم رسید
برای قبول حضرت شاه | پروانه نویش کن پناهم
دانه هم چون لعل مراد | کشاد و تیر تو ز نامی
خو قبله راه حویش بول | محجاب علوفه کرد در کار
این لاف مرن ... | گفتم سفر دراز کردم
این خانم من بعد پیر | اسمای تعین مراد نوشته

یکسر شوامهات حیوان
انصاف نهان شد و تمام
ای مه دهان روزه داران
از فیض تو در دوکان ...
دیباچه روم ... و رنگ
که کوثر عنبرین بی شی
هر ماه به ... سانی
میل تو ... جراحت
آن ... بر یغ یابا
در کیسه ... فرو شد
لعل از ... رنگ
حاکش مسیح تو ... بخش
مرزش ... بستان گلستان
خورشش ... جهان فرو کرد
با اشرف قدر ک افلاک
گشاده کسی ...
که بعراق چون ...
این خطه ... محط است
چون راه عراق ... کشیدم
میوه هم در جوار ... کاه
کان بارکه ... دلت
چند از ... سخن ...
حجاب زبان ...
کشف انده ... پای ...
این ... چشمه نوش

زر از ... حفاظ بر ...
هم ... تو ... هم
سستوری صد هزار ...
کرد ز تو ... رکاب ...
شب داری ... کشیده ...
ز ... که ...
ز ... بدرستان
کار روز ... دادی
زر بنده ... نزد خدایش
جای لب رنگ مرده
خدایت ... در ... جوهر
سکش ... بخش
خدا ... خلق ... لایق
پامن ... این صدا بر آید
عدل ... قلم شسته
بیلاد ... شیراز
تا ... شیرین ... شود
زان آب ... فرمود
از کنعان ... مرده
تا راه ... کاهم
بر کرده ... می
تو ... ابد
... کردم
تریاق ... نوشته
وصف ... برخوردی

... ۵۳ ...

ایجا فقط بحر و بحر ...
دراجیری ... فلک ...
در انو ... شده آن ...
این ... سکون ...
پس گفت که این ... تهایت
... این ... ش
سر ای ... کلاه و ...
... سمو ... ش ... عزیزی
کس ... بخت ... پای ...
قصاص ... عمر کم خواهد بود
ای چرخ ... ساغر ...
ای راحت ... تو

خطاب بحضرت نبی علیه السلام

کاین شب ... فرو رافتاد | جانها که جواهر ... بند
... نشین ... | از ... جعفران ...
و این ... سر کوی ... | و این دایره ... ادا
گرچه ... محمد ... | ... سوال ...

وصف شهد ... ی

در شهد ... زرین ... | جانها ... آرایش

رباعیات

در ... ش ... کای ... | هر قطره ... که ...
عمر ... هم خواهد بود | جانها ... اول ...
... ش ... | حال ... دل ...
دی مرهم ... پر نور از تو | ... دور از ...

و ... کوه و ...
در عرصه ...
از ... توان ...
و این ...
این ... لطافت
... از ... می بر
بر ... هوش
و ... عزیزی
... جاه ...
دامن ... بستم خواهد بود
با ... بار ...
از دوری تو ... دور از تو

سید ذوالفقار ... قوام الدین حسین ابن صدر الدین علی شروانی ... شعر ... و در ... سلطان ... ملک ... شاه ... ابا ... و ... ثبات ... ملک ... عمری ... صنعت ... صفات ... و ... شعری ... قوامی ... رشید ... و ... رسید ... چون ... فرمی ... ابیات ... قصاید ... حالت ... رشید ... ابیات ... ذوالفقار ...

...

... جوان است
... مرصع ... | ... | ... که عهد ...
ای ... لعل ... | ... | ...
شاه ... | ... شاه ... | ...
اگر ... | ... | ...
... | ...

و له

و این چند شعر ... دست ...
... جهان ...
... شده ...
...
...
با ...

[illegible]

و له

[illegible]

عز الدین [illegible]

و له فی العقیده

[illegible]

[illegible]

و له

[illegible]

[illegible]

و له فی العقیده

[illegible]

در هجو خاقانی گوید

[illegible]

و له

[illegible]

[illegible]

اوحدی مراغه‌ای [illegible] اوحدی [illegible]

[illegible] شیخ اوحدی [illegible] اصفهان [illegible] این اشعار از [illegible]

در صفت [illegible]

[illegible]

در مدح [illegible]

[illegible]

و له

[illegible]

من مثنوی جام جم

[illegible]

و له

[illegible]

رباعیات

[illegible]

شرار ثانیه در ذکر حالات و شرح مقالات شعرای بلاد و خطه [illegible] ایران [illegible]

والی ولایت [illegible] بلاد عظیمه [illegible] ایران است و حال [illegible] ایران [illegible] عراق عجم [illegible] ولایت [illegible] ولایت فارس

[illegible] ابیورد [illegible]

[illegible] مشهور است حکیم انوری [illegible]

[illegible]

[illegible] حکیم انوری [illegible]

[illegible]

ولہ

[illegible]

ولہ

[illegible]

ولہ

[illegible]

ولہ

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و له

[illegible]

و له

[illegible]

[illegible]

و له فی وصف العمارت

[illegible]

و له

[illegible]

و له فی المفقودات

[illegible]

و له

[illegible]

گفت ای [illegible]
اگر [illegible]
چون [illegible]
[illegible]

این همه برگ [illegible] که اینجا [illegible]
[illegible]
هر که [illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

پوریحیی [illegible]

[illegible]

امیر همایون [illegible]

[illegible]

غزلیات

[illegible]

بسطام [illegible]

رباعیات

[illegible]

شیخ ابو الحسن [illegible]

[illegible]

[illegible]

وله

[illegible]

وله فی الغزلیات

[illegible]

وله فی الرباعیات

[illegible]

اسفراین [illegible]

[illegible]

قصیده

[illegible]

تون طبس

[illegible]

رباعی

[illegible]

وصالی [illegible]

حیرتی [illegible]

غزلیات

[illegible]

سلیمی [illegible]

قطعه

[illegible]

قاضی شمس الدین [illegible]

فی القصاید

[illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

میر عبد الغفار [illegible]

مولانا [illegible]

واصلی [illegible]

غزلیات

[illegible]

طاهری [illegible]

فی المرثیه

[illegible]

رباعی

[illegible]

در ساقی نامه گوید

[illegible]

درحکایت فرماید

شهاب

کاتبی

[illegible]

جامی

[illegible]

رباعی

[illegible]

طالب

[illegible]

[illegible]

جامی

[illegible]

[illegible]

پوربها از شعرای ولایت جام ... رکن الدین ... در مدح شیخ خواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان است و از اوست

[illegible]

مولانا جامی و هو نور الدین عبد الرحمن مولدش ... جام و در اوایل به تحصیل کمالات پرداخته و در اندک وقتی سرآمد فضلای ... شیخ سعد الحق والدین کاشغری ... [illegible] ... فارسی و عربی ... شواهد النبوة نفحات الانس اشعة اللمعات لوایح شرح قصیدهٔ ابن فارض شرح بیت امیر خسرو ... شرح رباعیات رسالهٔ عروض و قافیه رسالهٔ موسیقی ... شرح مشکلات الکافیه رسالهٔ معما ... دیوان ... غزلیات و مقطعات و ترجیعات ... سلسلة الذهب ... تحفة الاحرار سبحة الابرار و یوسف زلیخا لیلی مجنون خردنامهٔ اسکندری ... [illegible]

در روز ورود خبر ... گفته

[illegible]

در مرثیهٔ فرزند

خود گوید

[illegible]

و له

[illegible]

و له

[illegible]

رباعیات

خواف

رباعی

غزلیات

تاج الدین

[illegible]

بگمان ... و حضرت خواجه ... که مرشد او بود ... در سنه ... [illegible]

محتاج خدا ... خودبینی و خودپرستی کند / آنجا که ... [illegible]

[illegible]

سیف الدین از فضلای ... [illegible] ... شیخ نجم الدین کبری ... [illegible]

... در سنه ... [illegible]

رباعیات

[illegible]

... الدین [illegible]

[illegible]

قطعه

[illegible]

لغز

[illegible]

فصیحی ... [illegible]

حکایت

[illegible]

ملک ... [illegible]

[illegible]

خوافی

سبزوار

در ... [illegible] ... خواجه ... [illegible]

[illegible]

میرزا بدیع الزمان [illegible]

[illegible]

میرزا حبیب الله از ... [illegible]

[illegible]

حیدری [illegible]

[illegible]

شاهی [illegible]

[illegible]

فردیات

[illegible]

... رای [illegible] قاضی [illegible] معقول و از نظر [illegible] منقول [illegible] کرده [illegible]

غزلیات

[illegible]

قاسمی [illegible]

لطیف فقد

[illegible]

سبزوار

کمالی [illegible]

غزلیات

[illegible]

میرزا محمد [illegible]

رباعیات

[illegible]

سمنان

سمنان [illegible] خراسان [illegible]

[illegible]

شاه علاءالدوله [illegible]

[illegible]

یقینی [illegible]

[illegible]

سیستان از اقلیم [illegible]

[illegible]

[illegible] ابوالفرج سجزی [illegible] ابوالفرج [illegible]

[illegible]

قاضی ابوالمظفر [illegible]

[illegible]

حلیمی [illegible]

قاسمی [illegible]

[illegible]

فرخی ابوالحسن علی بن جولوغ از جمله شعرای [illegible] در ایام سلطان محمود [illegible]

[illegible]

خوشگوار شوال است و پروانه هر شمع عوض آتش افروخته و امیر اوزان [illegible] هرگاه تو
[illegible] امیر [illegible]
[illegible]
[illegible] امیر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

قصایدات

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

سیات

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

فی الغزلیات

[illegible]

وزاو کرفته لونه باضعاف عیش ... از حرشد با نام او مفرز فرموده

قطعه

همه تعلیم مرقشد برابر ...
[illegible]

طوس

طوس از اقلیم چهارم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

ازاو کرده بعد از فردوسی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

دو لشکر بهم در رسیدند [illegible] … [illegible] ز ره بر کشیده [illegible]

در تعریف رزم

پر از گرد شد [illegible] … پر از خاک شد کام [illegible] … جهان گشت [illegible] … ز خون [illegible]

ز بانگ [illegible] … برآمد [illegible] … ز بس [illegible] … [illegible]

اگر [illegible] … همی [illegible] … ز بس کشته [illegible] … ز خون [illegible]

نه پیدا [illegible] … که پولاد [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … سنان [illegible] … [illegible] … [illegible]

ز بس [illegible] … [illegible]

بزم

اصیلی [illegible] از اولاد [illegible] … [illegible]

چو [illegible] … که [illegible] … **اقدسی** گویند [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

امینی [illegible] … [illegible]

غزلیات

دل [illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

شاپور [illegible] … [illegible]

[illegible] بوده … [illegible]

اشعار

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] **حرمتی** [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] **دانش** [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] **رایب** [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible]

اشعار

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

صابر [illegible] … [illegible] … [illegible]

مطوس

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

صالحی [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible]

اشعار

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

طاهر [illegible]

عبدالعلی [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

غزالی [illegible]

[illegible] … [illegible]

غزلیات

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

[illegible] … [illegible] … [illegible] … [illegible]

حکیم ابوالقاسم فردوسی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **انوری** [illegible] فردوسی [illegible]

[illegible] **نظامی** [illegible]

[illegible] **سعدی** [illegible]

میازار موری که دانه‌کش است | حکایت | که جان دارد و جان شیرین خوش است

هر چند [illegible] ایران [illegible] بعضی [illegible]
[illegible] شعر خوب و سخن مرغوب [illegible]
[illegible]
[illegible] محمود [illegible] سلطان محمود [illegible]
[illegible]
[illegible] سلطان محمود [illegible]
مولانا عنصری ملک الشعراء و فرخی و عسجدی که از شاگردان او بودند [illegible] فردوسی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اول شعر [illegible]
[illegible] عنصری گفت [illegible]
[illegible] عنصری گفت عنصری چون عارض تو ماه نباشد روشن
مانند رخت گل نبود در گلشن فرخی مژگانت همی گذر کند از جوشن فردوسی مانند سنان گیو در جنگ پشن
[illegible] عنصری گفت [illegible] عنصری [illegible]
[illegible] عنصری [illegible]
[illegible] فردوسی [illegible] عنصری [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
فردوسی [illegible] فردوسی [illegible] فردوسی [illegible]
[illegible] فردوسی [illegible]
[illegible] فردوسی [illegible] سلطان [illegible] عنصری
[illegible] سلطان [illegible] فردوسی [illegible]
[illegible] عنصری [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible]

این [illegible] چون این [illegible] شاهنامه [illegible]
به سلطان [illegible] این کتاب [illegible] سلطان [illegible]
[illegible] عنصری [illegible] فردوسی [illegible]

در تعریف سلطان محمود

[illegible]	[illegible]
جهان آفرین تا جهان آفرید	چو او مرزبانی نیامد پدید
جهاندار محمود شاه بزرگ	به آبشخور آرد همی میش و گرگ
ز کشمیر تا پیش دریای چین	برو شهریاران کنند آفرین
چو کودک لب از شیر مادر بشست	به گهواره محمود گوید نخست
به بزم اندرون آسمان وفاست	به رزم اندرون تیز چنگ اژدهاست
[illegible]	بکف ابر بهمن بدل رود نیل

[illegible] | حکایت | [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] فردوسی [illegible]
[illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] فردوسی [illegible]
[illegible]
حکایت [illegible] فردوسی [illegible] سلطان [illegible] عنصری [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فردوسی [illegible]

[illegible] | در صفت [illegible] | [illegible]

[illegible]	[illegible]

سلطان [illegible] فردوسی [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
[illegible] فردوسی [illegible]

تا اگر کتاب به تمام رسید و در اینجا سؤال بسیار است که جهت تبدیل صلهٔ نقره که [illegible] [illegible] اختلاف آن [illegible]

[illegible]

[illegible] خواجه [illegible]

[illegible]

در [illegible]

[illegible]

[illegible]

حکایت

[illegible]

در شرح حال [illegible]

[illegible]

[illegible] بستند بزنجیر آزاد [illegible] فردوسی فرستاد [illegible]

این دو حکایت [illegible]

[illegible] فردوسی [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] فردوسی [illegible]

[illegible]

عرب و عجم کلام [illegible] چنانکه در احوال اسدی مذکور شد [illegible]

[illegible] چون نهایت شهرت داشت و در [illegible]

[illegible]

من کلام فردوسی

[illegible]

[illegible]

فطرت اسم شریفش میرزا معزالدین [illegible] موسوی خان [illegible]

قصیده

[illegible]

القصه زان شراب مروق چو بم شب [illegible]

هر گز نخوانده غزل [illegible]

[illegible]

خاوری [illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

رباعیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

قطعه

[illegible]

غزلیات

ز کعبه ایم و رشک [illegible] | که [illegible] دلهای خسته [illegible] | یا رب [illegible] | [illegible]
[illegible] | غیری [illegible] دیگری [illegible] | [illegible] | [illegible]
[illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]
ان را که [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]

مولوی [illegible]

[illegible] [illegible]

غزلیات

[illegible]

خواجه [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

ابن قطعه از اوست

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مهدی [illegible]

غرجستان از اقلیم چهارم [illegible] و بعضی گویند که [illegible] [illegible]

جبلی [illegible]

[illegible]

و این قصاید آن از اوست

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

یکی جعد او دودیم که بسیم کیوان | کز مکتبه در ترنم باد بهشت | یکی دیبر و دودیم ساقی بسیم [illegible]

یکی لیسه دودیم بالوسیم چون | در افزون وشت دیم واکرده | یکی ابسره دودیم [illegible]

یکی دکاه دودیم دولت بسیم جهان | درمجلس سته دودیم [illegible] | [illegible]

[illegible] از اهل عصر احوالش را بسیار خوش گفته کرده‌اند و دیوانش ملاحظه شد هر [illegible] اوراقش میشود و این اشعار از آنجا انتخاب [illegible]

[illegible] | و در عشق بغرزنه همچو شمس | اوازه در افتاد که تا [illegible] | [illegible]

[illegible] | بجان این دو کشور [illegible] | [illegible] | [illegible]

و له رباعیات

[illegible] | در سری عشق [illegible] | هر غم که در دهر [illegible] کردم | کار و دولت عشق کار و دولت

[illegible] از اهل [illegible] [illegible] سید حسین [illegible]

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

و له ایضاً

[illegible]

[illegible]

آخر دلم بار زمی لیس بسیه	وانچه از غم ای جانست اوج
ای شه جهان کرچه خواهی حس	جرم من اگر هست والکرمت بخش
از آنکه دل من تو بیست دادم	پیشاه دیده خاک کوی تو دادم
ایکر ده لبی بری بسجدی ال من	در عشق تو شد رنجه تنی ای دل من
چند زجهان سستم اندیشی	ما کرجهان برکرده اند بیشی
زان جمال که نه اش بسیح بودم	ما از روکه فردکه اش زعم ایی
شاه مکنا هر انچه بایه داری	بخشی که جهان همی کشد بدرهٔ
دل رشته بود وصال تو چون جانا	کاهل لبنت ایمان بکسان سیه
هرچند گناه من بکن ای شه	دادیم که ز تو برتر ز تب حبس
سبحان الله پسیح ...	ما روی که دیده دم که ...
بکر دو نجسته رضا دل من	هیهات از این ترس ...
رنج از ...	یک مرد کو ... چند ایی
زان دیده که نقش تو ...	جادم بهوا ... تو بهی
چشمی که لب حلقه ...	سکر ...

حکیم سنائی: ذاتش منبع عرفان و دانشش بحران حکمت اتصال منش نزد حکما فیلسوف و پیش عرفا شیخ موصوف حکیم انوری و حکیم خاقانی کمال عقیدت با وی داشته‌اند و قدوه عرفا مولانا جلال الدین رومی نهایت شوق با وی اظهار کرده چنانکه در مثنوی چنین گفته است

ترک جوشش کرده‌ام من نیم خام ... از حکیم غزنوی بشنو تمام

حدیقة الحقیقه از تصنیفات اوست از ثمرات تحقیق حقایق بر وی گلستانها گلهای معرفت شوق انگیز عرض ... در سر شوق و فنا بر نهج تحقیق کرده که صد اهل راز روزی کند و در اوایل حال شوق شعر داشته و مدح ملوک میکرده آخر الامر متنبه گشته ... و در کار ... سلطان ابراهیم غزنوی به تسخیر قلاع کفره هندوستان عازم بود و حکیم قصیده ... گلخن تابی لای شراب ... ساقی پیاله پر کن ... سلطان که ... اسلام ... داده ... و لایت کفره ... و بار دیگر گفت ... و قصه آنکه ... که ... حکیم ... و ترک ... سلطان ... حکیم ... و بعد از ... بصحبت شیخ ابو یوسف همدانی که یکی از بزرگان ... و ... مجال الحکومت ... و غزل و مثنوی ... نوشته میشود ...

من در حسرم جان ... که ای ... دولت حال	قدم نخایی ...
سحر کردی که ... سینه ...	سنگ ...
... لا برای ...	... برای ...
... ز جهان ...	چو ...
چو ...	...
...	نشان ...
...	...
نه حرف ...	نه حرف ...
...	...
...	...

مرا در ...	سوی ...
که ...	چون کردی ...
...	...
ای ...	...

وله ایضا

دل برده ...	...
...	...
...	...
...	...

وله ایضا

[illegible]

...	...

[illegible]

غزل

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

حق بهشت من من از جمال
[illegible]
[illegible]
همه صفرای خواجگان [illegible]
[illegible]

مقطعات

[illegible]

وله قطعه

[illegible]

وله قطعه

[illegible]

ایضا قطعه

[illegible]

ایضا قطعه

[illegible]

ایضا

[illegible]

ایضا

[illegible]

وله رباعیات

[illegible]

من مثنوی عبد الله

[illegible]

مکاتب

[illegible]

هرچه از حق سوی تو رحمت است — له ان رضای [illegible]
مرگ این پاک [illegible] هر — زهر این را غذای [illegible]
در اگر [illegible] — [illegible] منزل [illegible]
انچه [illegible] زیر پرده اوست — انچه [illegible] بنده کرده اوست
نقش [illegible] روان [illegible] اوست

در حکایت [illegible]

[illegible] اشتری [illegible] — [illegible]
[illegible] — [illegible]
[illegible] — خاک را [illegible] پس کرد

[illegible]

غزنین

[illegible]

غزنین

[illegible]

حکایت [illegible]

[illegible]

حکایت [illegible]

[illegible]

حکایت [illegible]

[illegible]

به هوس چشمه حیوان شده بود | با خضر همره پی ... بود
دوست چون ابر ... | که برادر ... دل
[illegible]

غزلیات

[illegible]

شهاب الدین و هو ... مولدش و منشأش ... و معاش ... شیخ ... [illegible]
... و اشعارش ... [illegible]

در صفت ...

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

ساقی ... | [illegible]
شاخکی چند نرگس ... | گلکی چند تازه ... | این همه ... | وان همه چهره ...

عماد الدین بعضی ... | رباعی ...
[illegible]

کمال الدین ... [illegible]

[illegible]

مجد الدین ... [illegible]
... و فات ... [illegible]

[illegible]

در صفت ...

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

غزنین

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

قولیات در جواب

[illegible]

غور

ولایت غور از اقلیم چهارم [illegible] امیر المؤمنین علی [illegible] علیه السلام اهل آن دیار بشرف اسلام مشرف گردیده [illegible]

[illegible] امیر حسینی سادات [illegible] هرات [illegible] شیخ شهاب الدین سهروردی [illegible]

قطعه حکایت سکندر رومی

[illegible]

ندانم که بینم بجز ...
... فراق ... است ...

[illegible]

ولایت قاین

... ولایت قاین ...

بیشوئی از ولایت قاین

[illegible]

رباعی

[illegible]

وصالی از ولایت ...

[illegible]

ایضا در قضای ...

دل من ... عشق ...

[illegible]

ایضا در ابیات ...

[illegible]

ولایت کرمان

[illegible]

ابوبکر

[illegible]

شیخ اوحدی

ایضا رباعی

[illegible]

مولانا اوحدی قدس سره ...

[illegible]

و در مجلس او اکثر اوقات مطربان [illegible] شیخ چون [illegible] گرم شدی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

خواجه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

ایضا اشعار

[illegible]

رباعی

[illegible]

مولانا امانی کرمانی

وله

[illegible]

ایضا

[illegible]

مولانا وحشی اصلش از بافق است نزدیکی یزد ... کرمان ... اکثر اوقات مولانا در دار العباده یزد میبود ... شهرت تمام ... در مرتبه عاشقی ... غزلیات ... مثنوی ... بحر خسرو و شیرین ... ناظر و منظور ... فرهاد و شیرین ... [illegible]

ایضا خلد برین

[illegible]

[illegible]

حکایت عمارت کوشک شیرین

[illegible]

ابن قطعه از فصل [illegible]

[illegible]

ولدالاولاد [illegible]

[illegible]

... شیرین [illegible]

[illegible]

[illegible]

شاگردان عبادت ...

[illegible]

... شیرین ...

[illegible]

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

[illegible]

باشی [illegible]

[illegible]

مرو از اقلیم چهارم [illegible] **حسن** [illegible]

[illegible]

از جمله [illegible]

[illegible]

سید مبارکشاه [illegible]

[illegible]

علوی [illegible]

[illegible] در رباعی میگوید

[illegible]

عنصری [illegible]

غزلیات

[illegible]

کمالی [illegible]

در غزلیات میگوید

[illegible]

[illegible]

کلامی [illegible]

در لغز میگوید

[illegible]

روده و هسه [illegible]

سلطان احمد [illegible]

[illegible]

در رباعیات میگوید

[illegible]

[illegible]

ابوالفرج از شعرای [illegible] است [illegible]

[illegible]

و له

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

جوهری اسم شریفش خواجه [illegible] ابوالفرج [illegible]

[illegible]

قاضی شمس الدین [illegible]

[illegible]

قاضی مجد الدین [illegible]

[illegible]

[illegible]

جمال‌الدین [illegible]

[illegible]

فی الرباعیات لخیام

[illegible]

این کوزه چو من عاشق زاری بودست
در بند سر زلف نگاری بودست
این دسته که بر گردن او می‌بینی
دستیست که بر گردن یاری بودست

[illegible]

[illegible]

گفت سلام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

از قصاید مسکوه

[illegible]

ولہ ایضا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

شیخ صدرالدین [illegible]

[illegible]

شیخ عطا [illegible]

[illegible]

ز سانچه هدم فضل ای حاکم
دل الهام و به کردم کبد الحمد
الکه هر برو نخر نمود از ناز بر زن
اگر پیش از ما بیک دم
[illegible]

حکایت

[illegible]

حکایت

[illegible]

در وصف بهار [illegible] گوید

رباعی [illegible]

[illegible]

[illegible]

یحیی بن محمد یحیی

از اهل [illegible] و از احوالش [illegible] معلوم [illegible]

[illegible]

ولد الشیخ [illegible]

از [illegible] جای او [illegible]

[illegible]

رباعیات

[illegible]

حکیم ازرقی

اسمش ابوبکر [illegible] خواجه عبدالله انصاری [illegible] سلطان [illegible] ملک الشعراء [illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

رباعی که در مدح [illegible] گفته است

[illegible]

[illegible]

وله ایضاً قصیده

[illegible]

قصیده

[illegible]

وله ایضاً [illegible]

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

هرات

و له ایضا

و له ایضا

و له ایضا

و له ایضا

و له ایضا

و له ایضا

تا ... حسرت ... [illegible]

[illegible]

آذری از فضلای شعرای دیار و از شعرای معروف روزگار ... [illegible] ... شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی که سعدی ... [illegible]

... [illegible] ... شیخ سعدی ... [illegible]

[illegible]

ولِه ایضاً

[illegible]

قطعه

[illegible]

بابا ... [illegible] ... سلطان احمد میرزا ... [illegible]

... شیخ سعدی و خواجه حافظ ... [illegible]

در قصاید

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

[illegible]

شادی [illegible]

صبوری [illegible]

اشعار

[illegible]

طاهری [illegible]

[illegible]

غزلیات [illegible]

[illegible]

هرات

[illegible]

استراباد

[illegible]

حسنی؟ اسمش [illegible]

[illegible]

غزلیات و رباعیات

[illegible]

استرآباد؟

[illegible]

غزلیات و رباعیات

[illegible]

[illegible]

[illegible] این قطعه را که از نتایج طبع [illegible] [illegible] خواجه سیف الدین مظفر که پادشاه [illegible]

[illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]

[illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible]

[illegible] [illegible] خواجه عماد الدین [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] شمس الدین محمد [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] خراسان [illegible] مشغول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وله ایضاً در مطایبات

[illegible]

وله ایضاً در مطایبات

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضا

[illegible]

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

وله ایضاً

گیلان

[illegible]

قطعه

[illegible]

غزل مستزاد

[illegible]

رباعیات

[illegible]

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

بابا نصیبی مولدش از گیلان است در تبریز به جوهر فروشی [illegible]

[illegible]

غزلیات

[illegible]

یقینی [illegible]

[illegible]

قاضی یحیی [illegible]

گیلان

غزلیات

[illegible]

[illegible] ولایت

مازندران از اقلیم چهارم است [illegible]

مازندران

[illegible]

اشرف [illegible]

غزلیات

[illegible]

[illegible] [illegible]

طالب [illegible]

غزلیات

[illegible]

قمری سراج الدین [illegible] اختلاف کرده اند بعضی او را [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

رباعی

[illegible]

اگر گره بر دل ... [illegible] ... بر سینه از دو ... [illegible]

سید محمد نجفی از سادات نجف اشرف است و از علوم ظاهری آراسته ... [illegible]

ای ... [illegible] ... چون شمع ... [illegible] ... چون جام ... [illegible]

شیخ محمد ... [illegible]

شروع در ذکر احوال شعرا و فضلای ... [illegible] ... عراق ... [illegible]

... [illegible] ... **اصفهان** ... [illegible]

[illegible]

ای ... [illegible]

میرزا ... [illegible]

این رباعی از اوست

[illegible]

سوانح احوال اوست

میرزا ... [illegible]

این رباعی از اوست

[illegible]

و هم از اوست

[illegible]

این رباعی از اوست

[illegible]

خواجه جمال الدین ... [illegible]

[illegible]

و له ایضا من قصاید اوست

[illegible]

خواجه جمال منشی [illegible]

[illegible] خواجه شمس الدین محمد صاحب دیوان [illegible]

و له ایضا من قصاید اوست

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

جمال الدین محمد بن عبد الرزاق از اکابر شعرای اصفهان بلکه افضل فضلای جهان [illegible] در عهد سلطان محمد خوارزمشاه [illegible]

[illegible]

و له من قصایدات

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

وله ایضا

[illegible]

رباعی

[illegible]

رباعی

[illegible]

رباعی

[illegible]

قطعه

[illegible]

مرثیه

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

قطعه

[illegible]

قطعه

[illegible]

قطعه

[illegible]

قطعه

[illegible]

قطعه

[illegible]

قطعه

[illegible]

قطعه

[illegible]

حکیم ناصرخسرو علوی

قصیده

رباعیات

قطعه

رباعیات

قطعه

قطعه

غزلیات

قصیده

قطعه

غزلیات

غزلیات

غزلیات

اشعار

رباعی

قطعه

غزلیات

مثنوی

غزلیات

[illegible]

مولانا ... [illegible]

قطعه

کای ز حال درون من آگاه ... [illegible]

رباعی

وله ایضا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

غزلیات

[illegible]

قصیده

[illegible]

رباعی

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

ابیات

[illegible]

قطعه

[illegible]

قصیده

[illegible]

وله ایضاً

[illegible]

به چمن از آن ... سروری | چه بر خود اش توهم آن جای
اگر خواجه ... | ... بیا ... جلب
اگر بشر ... انده ... بردو ... | سرانجام جام ...
چرا ... کاری ... | که خود ...

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

رباعی

[illegible]

رباعی

[illegible]

غزل

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قصیده

[illegible]

مثنوی

[illegible]

غزلیات

[illegible]

قطعه

غزلیات

مثنوی

قطعه

غزلیات

قطعه

غزلیات

شهاب کنه و منی برخه ریش [illegible]

رباعی

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

مفردات

[illegible]

مفردات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

معروف احوال

[illegible]

[illegible]

معروف احوال

[illegible]

خواجه نصیر الملة والدین [illegible]

[illegible]

مفردات

[illegible]

معروف احوال

[illegible]

قصیده

[illegible]

رباعیات

[illegible]

قم

قطعه

غزلیات

رباعی

غزلیات

کاشان

رباعیات

غزلیات

غزلیات

اشعار

کاشان

غزلیات

رباعی

قطعه

غزلیات

رباعی

غزلیات

کاشان

مثنوی

مولانا محتشم

قصیده

کاشان

ترجیع بند

[illegible]

بند دوم

بند سوم

بند چهارم

بند پنجم

بند ششم

کاشان

[illegible]

بند هفتم

[illegible]

بند هشتم

[illegible]

بند نهم

[illegible]

بند دهم

[illegible]

غزلیات

کاشان

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

و له ایضا

[illegible]

[illegible]

غزلیات

کاشان

[illegible]

قطعه رباعی

[illegible]

رباعیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

همدان

[illegible]

قطعات

[illegible]

قطعات

[illegible]

[illegible]

رسم جمع

[illegible]

قصه رباعی

[illegible]

غزلیات

[illegible]

ساقی نامه

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

بداعت

[illegible]

غزلیات

غزلیات

غزلیات

غزلیات

دار العلم شیراز

[illegible]

غزلیات

[illegible]

فارس

[illegible]

غزلیات

[illegible]

رباعیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

[illegible]

فارس

[illegible]

غزلیات

[illegible]

رباعیات

[illegible]

فارس

فارس

فی الغزلیات

وله ایضا

فارسی

وله ایضا

وله ایضا

فارسی

وله ایضا

ثم‌ماله

مطایبه

رباعیات

فارس

[illegible]

مطایبه

قطعات

فارس

قطعات

[illegible]

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

حکایت

فارس

ایضا

رباعیات

فارس

ایضا

ایضا

ایضا

رباعیات

رباعیات

غزل

غزلیات

غزلیات

غزلیات

فارس

غزلیات

غزلیات

غزلیات

غزلیات

غزلیات

غزلیات

فارس

غزلیات

غزلیات

فارس

غزلیات

فارس

غزلیات

کازرون

اوحدی اسمش تقی الدین از جبال کازرون است

یزد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

ابوالقاسم حسن عنصری

[illegible]

قطعه

[illegible]

رباعیات

[illegible]

قهر است جهان با لطف الهی تو .... تحت ... شده ... پیلتن

مولوی جلال

مولوی مولانا جلال الدین محمد بن بهاء الدین ... احسن ... صاحب ... و ... مرشد ... و خرد
در زمان سلطان محمد خوارزمشاه ... و اکثر ... و علما ... بهاء الدین ... سلطان ...
... سلطان ... مولانا بهاء الدین ... سلطان محمد ... بخراسان ...
و از آنجا حرکت کرده ... حضرت ... شیخ فرید الدین عطار ... و ... مولانا
جلال الدین ... شیخ ... مولانا جلال الدین ... بهاء الدین ... فرزند گرامی ...
... حرکت ... حج ... بیت المقدس ... زیارت ...
... الدین محقق ترمذی ... مولانا بهاء الدین
... جمال ... روم ... علاء الدین ... سلطان ...
سلطان ... روم ... مولانا ... لازم ...
... مولانا بهاء الدین ... جلال الدین ... درس ...
... علاء الدین ... روم ...
... صلاح الدین ... شیخ ... الحسن ...
شیخ حسام الدین چلبی ... کتاب مثنوی ... شمس الدین ...
شیخ شمس الدین تبریزی ... شیخ رکن الدین ...
... صلوات ...
... شیخ ... روم ... مولانا جلال الدین
... مولانا ...
... شیخ ... علم ...
... شیخ شمس الدین ... مولانا ...
... مولانا ...
مولانا ... شمس ...
... شیخ ...
... شیخ ...
... شیخ ... تبریز ... مولانا ...

[illegible]

[illegible]

... بعد از ... شیخ ... اصحاب شیخ ... مولانا ...
... مولانا ... غزلیات ...
عالم ... علاء الدین محمد ... مولوی ...
... کتاب مثنوی ... شیخ بهاء الدین ...
... مکرم ...

رباعیات

... از مثنوی اشعار بسیار دارد ... اشعار ...

[illegible]

[illegible]

رباعیات

شیخ ابوالعباس

قصاید

رباعی

[illegible]

رباعی

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

غزلیات

[illegible]

قطعه

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

[illegible]

غزلیات

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

رباعی

[illegible]

رباعی

[illegible]

رباعیات

[illegible]

مثنوی

[illegible]

فرخار

فرخاری [illegible]

قطعه

اسبی دارم که هرگز [illegible]

[illegible]

فرغانه

[illegible]

قطعه

[illegible]

مثنوی

[illegible]

خواجه حسن

غزليات

امیر خسرو

غزليات

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ردیف

ردیف الف

قصیده و له فی المنقبت

[illegible]

ولہ ایضا

[illegible]

در منقبت سلطان خراسان

[illegible]

در منقبت شاه مردان

[illegible]

[illegible]

در جواب قصیده [illegible]

[illegible]

وله

وله

وله

وله

وله

وله

وله فی مرثیه سید الشهداء علیه السلام

وله

وله

وله

وله

وله

وله الغزلیات

وله الرباعیات

مسمط

قطعه

قطعه

صهبا

فی المثنویات

طبیب

قصاید

و له ایضاً

طلوعی

و له فی القصاید

فی المثنویات

طبری

عارف

عاشق

و له فی القصاید

و له

و له

غزلیات

وله

وله

وله

وله

وله

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

وله

[illegible]

[illegible]

و له رباعیات

[illegible]

و له مفردات

[illegible]

[illegible]

رباعیات

[illegible]

غزل

[illegible]

قطعه

[illegible]

[illegible]

عنایت [illegible]

[illegible]

غالب [illegible]

[illegible]

غنی [illegible]

[illegible]

غزل

[illegible]

غیرت [illegible]

غزلیات

[illegible]

فدایی [illegible]

قربی [illegible]

وله فی الغزلیات

[illegible]

قابل [illegible]

[illegible]

درویش عبدالمجید [illegible]

[illegible]

فی الغزلیات

[illegible]

[illegible]

میرزا محمد بیگ [illegible]

مسرور اسمش [illegible]

[illegible]

مشتاق [illegible]

[illegible]

و له العفو [illegible]

[illegible]

ترجیع و له

[illegible]

غزلیات

[illegible]

و له

[illegible]

[illegible]

ولہ

[illegible]

ولہ

[illegible]

ولہ

[illegible]

ولہ

[illegible]

ولہ

[illegible]

غزل

[illegible]

مولی [illegible]

غزلیات [illegible]

اقا محمد [illegible]

[illegible]

نامی [illegible]

مثنوی لیلی و مجنون

[illegible]

[illegible]

نشاط [illegible]

غزلیات

[illegible]

ندیم [illegible]

[illegible]

غزلیات

[illegible]

میرزا محمد نصیر [illegible]

حسن خلقت که ... [illegible]

ایشان ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

نوید ... [illegible]

[illegible]

نیازی اسم ... [illegible]

[illegible]

من غزلیات

[illegible]

واله ... [illegible]

[illegible]

وفا ... [illegible]

[illegible]

الف ... [illegible]

[illegible]

من قصیده ... [illegible]

[illegible]

وله فی القصیده

غزل

وله

مؤلف الکتاب

[illegible]

وله فی مدح

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در ترجیع بند

[illegible]

توحید [illegible]

[illegible]

وله

وله

فی القطعه

فی الرباعیات

که وصف حسن کس [illegible]
[illegible]
به جای [illegible]
[illegible]
اگر گفتم زلیخا [illegible]
[illegible]
چرا که [illegible] خاک
بجز یوسف که خورشید [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

که [illegible]
که دیگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
زلیخا درکشید [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



